

فعالیت دوستانان حکمت در شهرهای کردستان

فعالین حزب حکمتیست و دوستانان منصور حکمت در هفته بزرگداشت رهبر کمونیسم کارگری، فعالیت هایی را با یاد او و به منظور آشنایی هر چه بیشتر مردم با او انجام دادند. از آشنا کردن هر چه بیشتر مردم به منصور حکمت در این هفته تا پخش عکس و گفته های او در بسیاری از شهرهای کردستان از اورامان و کامیاران تا پیرانشهر و مهاباد بوسیله فعالین حزب حکمتیست و دوستانان حکمت صورت گرفت. در میوان واحد ۲۲۲ گارد آزادی در میان شور و شوق مردم به معرفی منصور حکمت پرداخت و عکس و سی دی هایش را پخش کردند. اخبار دریافتی تا کنونی به این شرح است:

میریوان:

شامگاه پنجشنبه ۳۱ مای ۲۰۰۷ واحدی از فعالین حزب حکمتیست بمناسبت هفته منصور حکمت اقدام به پخش پوستر رهبر کمونیسم کارگری کردند. این اقدام در نمایشگاه مبلمان دریاچه زربار صورت گرفت و تعداد ۳۰۰ نسخه از این پوستر پخش شد. شرکت کنندگان در این نمایشگاه که بیشتر از شهرهای دیگر ایران بودند با علاقه این پوسترها را تحویل گرفته و از این اقدام تبلیغاتی استقبال کردند. ص ۲

رپرتاژی از گردهم آیی دوستانان حکمت در کردستان عراق



به مناسبت هفته حکمت روز جمعه ۸ ژوئن ۲۰۰۷ تفریحگاه سد دوکان کردستان عراق شاهد گردهم آیی دوستانان منصور حکمت بود. محل مناسبی از تفریحگاه دوکان از قبل برای این مناسبت در نظر گرفته شده بود. اولین گروه ساعت ۹ صبح در محل تعیین شده مستقر شدند. به تدریج دوستانان حکمت در دسته ها و گروههای مختلف از شهرهای سلیمانیه، کرکوک، سید صادق، رانیه، قه لا دزه، و همچنین از میان ایرانیان مهاجر در کردستان عراق خود را به تفریحگاه دوکان رساندند. هر دسته و گروه تازه وارد با استقبال گرم حضار روبرو میشد. فرصتی بود که هم دوستان و آشنایان قدیمی از شهرهای مختلف دیدار تازه

کنند و هم آشناییها و دوستیهای جدید برقرار شود. بزرگداشت منصور حکمت، علاقه به آشنایی بیشتر با افکار و سیاست این انسان بزرگ و یاد کردن از وی، سرخ به هم پیوند زدن و گرد آوردن تعداد قابل توجهی ص ۲

به مناسبت هفته منصور حکمت

کدامیک از بحثهای حکمت بیشتر شما را تحت تاثیر قرار داده است؟

مظفر محمدی

اول این حقیقت را بگویم که نمیتوانم حتی یک مورد از بحثهای حکمت را پیدا کنم که موثر و خلاق و راهگشا نبوده باشد. اما در مقاطع و یا نقطه عطفهایی در زندگی انسان مساله ای محوری میشود و همه پدیده های موجود در پرتو آن معنای دیگری پیدا میکنند. میتوان در دریای مارکسیسم و حقیقت شناسی و جامعه شناسی و سیاستهای متنوع شنا کرد و متاثر شد و یا مخالف ص ۳

به یاد و گرامی داشت بزرگترین مارکسیست معاصر منصور حکمت - ابوبکر شریف زاده ص ۶

طلوع خونین نظم نوین جهانی

جنگ آمریکا در خاورمیانه

منصور حکمت

با آنچه در خلیج می گذرد و با روایتی که رسانه ها از آن بدست می دهند الحق که باید از اینکه دنیای امروز دنیای دورویی، اخلاقیات دلبخواهی و معیارهای دوگانه است شکرگزار باشیم. تصور کنید اگر بنا بود همه قطعنامه های سازمان ملل با همین درجه عزم و قاطعیت به اجرا در آیند چه آشوبی بپا می شد. تجسم کنید که فقط برای نمونه چند هزارتن بمب می بایست بدلیل اشغال سرزمینهای فلسطینی و رفتار ضد انسانی با مردم فلسطین روی اسرائیل ریخته می شد، یا روی آفریقای جنوبی، بخاطر امتناعش از برسمیت شناختن هویت انسانی اکثریت ساکنین اش، یا روی خود آمریکا، برای چندین دهه ارباب بی وقفه بشریت. تصور کنید که از کار انداختن سلاحهای نابودی جمعی که در آمریکا، شوروی، چین، فرانسه، انگلستان، اسرائیل و هر کشوری که وسعش می رسد انبار شده است به چند فقره پرواز جنگنده ها و بمب افکن ها و شلیک چند موشک کروز نیاز می داشت. فکر کنید اگر واقعا بنا بود از کنترل انحصاری نه فقط بر نفت، بلکه همچنین بر گندم، تکنولوژی، اطلاعات، دارو و غیره جلوگیری کنیم چه جنگهایی می بایست برپا شود. اگر بنا بود همه دیکتاتوری ها محاصره شوند چه تعداد کشتی لازم می شد. اگر بنا بود همه جنایتکاران جنگی، مستقل از نژاد و عقیده و ملیت و آداب معاشرتشان محاکمه شوند به چه تعداد قاضی و سالن دادگاه نیاز بود. تصور کنید که اقدام برای رام کردن همه ابرقدرت های دست به ماشه در سطح جهانی و منطقه ای محیط زیست را با چه خطرات عظیمی روبرو می کرد. و بالاخره هزینه مالی اینها را در نظر بگیرید. هیچ ژاپن و ص ۴

از صفحه ۱

فعالیت دوستداران حکمت در شهرهای

کردستان

... در روز های ۳ و ۴ ژوئن مجله های بلچه سور، محمدی، کونه دی، آتش نشانی و چهارراه اصلی همچنین شاهد فعالیت دوستداران حکمت بود و در این محلات عکس و سی دی هایی از منصور حکمت در میان مردم پخش گردید.

چهارشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۷ برابر ۱۶ خرداد ماه سال ۱۳۸۶، واحد ۲۲۲ گارد آزادی بمناسبت هفته منصور حکمت، مسلحانه وارد محلات دارسیران و کوره موسوی شده، جوانان با شور و شوق فراوان رفقای این واحد را در بر قراری امنیت و پخش کارت پستالهایی بمناسبت هفته منصور حکمت، تا آخرین لحظات ماندگاریشان در این محلات یاری رسانده اند.

عکسهای منصور حکمت را از رفقای واحد ۲۲۲ و جوانان محله دریافت مینمایند.

سقز:

به یاد منصور حکمت تعدادی از محلات شهر سقز شاهد فعالیت دوستداران بود. بیش از ۵۰۰ عدد کارت پستال منصور حکمت و گفته های او در مورد جایگاه انسان و سوسیالیسم در حاجی آباد، سیلو، کریم آباد، سعدی بلوار وحدت و شهرک دانشگاه پخش شد.

کامیاران:

دوستداران منصور حکمت در این هفته با تکثیر سی دی های منصور حکمت تلاشی برای معرفی هر چه بیشتر او کردند.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست
۲۳ خرداد ۱۳۸۶

در راس ساعت ۸ و نیم بعدظهر واحد ۲۲۲ گارد آزادی ابتدا وارد میدان مرکزی محله دارسیران شده و جوانان با همکاری فعال خودشان رفقای این واحد را در تامین امنیت و دریافت و پخش کارت پستالهایی که با عکس منصور حکمت و دو مطلب او تزئین شده است یاری رسانده و بدین وسیله فضا را برای تحرک و مانور هر چه بیشتر رفقای واحد ۲۲۲ گارد آزادی هموار میسازند. سپس رفقای واحد ۲۲۲ با همکاری جوانان وارد یکی از قهوه خانه های این محله شده و در آنجا نیز میان حاضرین به گفتگو با حاضرین در آنجا به پخش کارت پستال منصور حکمت در میان آنان می پردازند. بدنبال آن، تعدادی از مسافرین شهرستانهای دیگر ایران که برای سپری کردن تعطیلات تابستانی اشان وارد این محله شده بمحض اطلاع از حضور گارد آزادی به این رفقا نزدیک شده و در مورد چگونگی این نیرو سؤال نموده سپس با اظهار حوشحالی تعدادی از

از صفحه ۱

رپرتاژی از گرد همایی دوستداران حکمت در کردستان عراق

... ازعلاقمندان وی از شهرهای مختلف کردستان عراق و از میان مهاجرین ایرانی شده بود.

گروه تدارک این گردهم آیی در چار چوب امکانات موجود در فضای باز توانسته بود، در قسمتی از تفریحگاه محلی برای اجرای متینگ و سخنرانی به این مناسبت آماده کند. در ساعت ۱۲ ظهر جمعیت حاضر در این محل تجمع کردند. آسو کمال عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق و مجری برنامه ضمن خوشامد گویی به حاضرین، در مورد هفته حکمت به عنوان فرصتی برای آشنایی بیشتر با منصور حکمت و دستاوردهای زندگی وی صحبت کرد.

سپس از رحمان حسین زاده عضو رهبری حزب حکمتیست خواست، در این مناسبت

سخنرانی کند. رحمان حسین زاده در ابتدای سخنرانی خود اشاره کرد، "اگردنیا وارونه نبود و اگر رسانه ها تابع حقیقت بودند، در هفته حکمت و در شناساندن منصور حکمت و افکار و سیاست و پراتیک و تصمیمات بزرگ وی نمی بایست ذره ای دریغ میکردند. افسوس که در دنیای وارونه و

طلبانه حکمت را در جنبش زنان مورد اشاره قرار داد. در ضمن سمیر عادل رئیس کنگره آزادی عراق پیامی را به این مناسبت به این تجمع دوستداران حکمت ارسال کرده بود.

در قسمت بعدی میکروفون در اختیار حضار بود که هر کدام در فرصت کوتاهی به این مناسبت سخنرانی کنند. سه نفر از میان حضار هر کدام در مورد تاثیر گذاری منصور حکمت بر محیط سیاسی پیرامون آنها و حیات سیاسی و شخصی خود صحبت کردند. پایان بخش این متینگ کوتاه معرفی آثار منتخب منصور حکمت به زبانهای فارسی و عربی بود.

در این قسمت شه مال علی آثار منتخب بزرگ منصور حکمت به زبان فارسی و آثار منتخب وی به زبان عربی "المختارات" را معرفی کرد.

بعد از پایان متینگ و مراسم گرامیداشت منصور حکمت، جمعیت حاضر تا ساعت هفت غروب در فضای صمیمانه در تفریحگاه دوکان در کنار هم ماندند. در جمعه و محافل مختلف بحث در مورد منصور حکمت و مقاطع مهم زندگی سیاسی او ادامه داشت.

مدیای مبلغ این وارونگی پرچمداران حقیقت و انسانیت و رهبرانی چون منصور حکمت را آگاهانه سانسور میکنند. هفته حکمت در تقابل با این سانسور وسیع میخواهد حکمت را بشناساند

سیس بر مقاطع مهمی از تاثیر گذاری منصور حکمت بر فضای سیاست در ایران و عراق اشاره



کرد.

به دنبال شه مال علی از رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در مورد نقش بلامنازع منصور حکمت در شکل دادن به حرکت کمونیسم کارگری و ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق سخنانی ایراد کرد. در بخش پایانی سخنرانیها آسو کمال افکار و سیاست به شدت آزادیخواهانه و برابری

سوسیالیسم، جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است

از صفحه ۱

به مناسبت هفته منصور حکمت مظفر محمدی

... و موافق بود و حتی انتخاب کرد اما سرانجام انسان در مقابل این سوال قرار میگیرد که بالاخره چه؟ به کجا میروی؟ کجای این دنیا ایستاده ای؟ میخواهی چکار کنی؟ مارکس جواب این سوالات را در یک کلام داده است که تفسیر جهان کافی نیست، باید آن را تغییر داد.

منصور حکمت هم در مورد کمونیسم و مارکس و جهان امروز نوشت و گفت. کوهی ادبیات از او به جا مانده است که هر بخش و موضوع آن راهگشای کار و مبارزه ما و همه رهروان او است. در همین راستا هم حزب ساخت و انسانها را متحد کرد و در مقابل همه آن چیزهایی که مغایر منافع انسان بودند، ایستاد. اما سرانجام و در مقابل این سوال که بالاخره چه؟ جواب داد که، باید قدرت را گرفت!

شفافترین سیاستها و ایده ها، بالاترین انساندوستی ها، بیشترین فداکارها اگر نتیجه اش به تغییر چیزی و ایجاد دنیایی منجر نشود که این ایده ها و سیاستها و انسانیتها در آن تحقق یابند، و زندگی بهتر و رفاه و خوشبختی و برابری ایجاد نکند، تنها ایده های درستی اند. این کار فقط با کسب قدرت ممکن است.

منصور حکمت تنها یک متفکر مارکسیست، یک سیاستمدار و رهبر متحد کننده و مصمم و مدافع انسانیت و برابری نبود. او یک انقلابی بود که میخواست آرمانها و سیاستهای انسانی و برابری طلبانه اش متحقق شود. همین امروز متحقق شود. برای همین نسل متحقق شود. نسلهای آینده خود تاریخشان را میسازند. ما چه میکنیم؟ در همان حال او یک آرمانگرایی تخیلی که پیش روز زمین نیست، نبود.

هیچ پدیده دنیای امروز و مربوط به حقوق انسان و جامعه از دید او پنهان نمیماند و از آن غافل نبود. حق کودک، سقط جنین، تغییر خط فارسی، استقلال کردستان عراق، دفاع از تن فروشان در بغداد که حلق آویزشان میکردند تا ایستادگی در مقابل نظم نوین سرمایه داری و جنگ خلیج و تا تلاش برای ایجاد جبهه ای انسانی قوی برای سرنگونی جمهوری اسلامی....

حکمت سخنگوی طبقه کارگر برای ولو حقی کوچک بود. مباحث حکمت در کتاب کار ارزان، کارگر خاموش گوشه هایی از آژیتاسیون سوسیالیستی و ادعای کارگر علیه سرمایه دار هم در پایه و هم در سطح مطالبات روز مانند قرار

دادهای دستجمعی، رو کردن دست حقه بازیهای سرمایه داران و دولت در بیحقوق کردن کارگر ... است.

اراده حکمت در بحث و یا بهتر است بگویم ایجاد حزب قدرت سیاسی، چکیده تفکر، انساندوستی، آرمانخواهی و اومانیسیم او است.

میتوان در باره فلسفه و اقتصاد و سیاست و همه چیز حرف زد و کتابها نوشت و اندر وصف اومانیسیم گفت و نوشت، اما نگران نتیجه و تاثیر آن نشد. میشود گفت و نوشت اما تحقق ایده ها و افکار و سیاستها را به دیگران وا گذاشت... اما حکمت منتقد دنیای وارونه و خرافات و سیاستهای ضد انسانی، خود معمار ساختن دنیای جایگزین آن، دنیای بهتر هم هست.

حزب و قدرت سیاسی حکمت از نظر خلیپها و حتی کسانی که سنگ طبقه کارگر و کمونیسم را به سینه میزنند، کفر آلود بوده و هنوز هم هست. خود حکمت گفت این سخنان از نظر طیف وسیعی از چهها با ناباوری مواجه و حتی کفر تلقی میشود و استدلالها به ظاهر مارکسیستی علیه آن آورده میشود. خواهند گفت پس طبقه کارگر چه؟ مگر میشود قدرت را گرفت بدون اینکه طبقه کارگر آماده باشد یا توده ها آماده باشند، یا اکثریت را آماده و متشکل و متحد نکرده باشی؟ این آوانتوریسم است و اما راستها و بور ژوازی مشکلی با این خواست و اراده و تصمیم ما ندارد. چون کار بورژوازی همین است.

کسب قدرت در سر لوحه همه کارها و سیاستهایشان است. فلسفه زندگیهایشان است. مگر میشود بورژوا بود و ماند اما قدرت را نداشت و دولت را نداشت و قانون و پارلمان و پلیس و ارتش نداشت...

کسب قدرت برای بورژوازی از بدیهیات کار و زندگیهایشان است. اما وقتی نوبت به کارگر و کمونیستها و حزب کمونیستی کارگش می رسد، هزار دلیل و بهانه به میان میآید که نمیشود و زود است و پس بیوند با کارگر چه شد و ...

از زاویه دیگر هم انتقاد و ناباوری به کسب قدرت سیاسی از جانب حزب کمونیستی کارگری هست. میگویند پس تکلیف اکثریت و مساله دموکراسی و انتخابات و غیره چه میشود؟ شما که میخواهید با اقلیتی قدرت را بگیرید این پایمال کردن حقوق اکثریت است. این دیکتاتوری است و از این حرفها. اما همزمان برای این بخش، دیکتاتوری بورژوازی تحت نام دموکراسی و انتخابات و پارلمان بورژوازی تقدیس میشود.

حزب و قدرت سیاسی از دیدگاه حکمت، به زیر

کشیدن حاکمیت سرمایه و زور و استبداد و تفویض آن به اکثریتی است که در جریان این قدرت گیری جلو آمده و منافع خود را تشخیص داده است.

یک حزب سیاسی و کمونیستی که بتواند با هر اندازه نیرو بورژوازی را به زیر بکشد، از همان آغاز تصمیم به این کار نقشه و سیاستهایش را تعیین میکند و رهبری مبارزه ای بی امان برای این سرنگونی را به عهده میگیرد و در نهایت هم شانس و فرصت انتخابی آگاهانه را هم به اکثریت جامعه میدهد.

انتخابی نه به معنای اعطای حق رای به مردم برای چند سال یک بار انتخاب نمایندگانی که ربطی به کار و منافع و زندگی ندارد. انتخاب به معنای دخالت مستقیم خود در سرنوشت خویش. یعنی اداره امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه با دستان خود و بلاواسطه این و آن دولت و پارلمان و غیره. از طریق نمایندگان مجامع عمومی و شوراهایش که دائما قابل عزل و نصب اند.

خلاصه کنم تصمیم حکمت برای ساختن حزب به عنوان ابزار قدرت گیری طبقه کارگر و مردم، و مسلح کردن این حزب به سیاست و نقشه درست، حزب قدرت، نه حزب دایما در اپوزیسیون و تو سری خور و یا حزبی برای تبلیغ و ترویج و آگاهگری صرف. و یا حزبی جنیور و کوچک و کم توقع و چشم به دست برادر بزرگها و یا حزبی منتظر بورژوازی و دولتهایش تا کی او را به بازی بگیرند یا سرکوبش میکنند و به حاشیه جامعه و به زیرزمینها و کار مخفی سوقش میدهد.

رهایی طبقه کارگر، رهایی زن و جوان و کودک و پیر و برقراری جامعه ای آزاد و برابر بدون قدرت گیری حزب کمونیستی کارگری که همه این محرومان جامعه به آن چشم دوخته و امید بسته اند، ممکن نیست. هر تغییری و هر انقلابی هر چند توده ای و میلیونی هم بدون کسب قدرت از جانب حزب سیاسی کمونیستی و نماینده و رهبر آرزوها و خواستههای مردم الزاما خیری به انسان و جامعه نمیرساند، ولو جامعه را زیر و رو کرده و رژیمهایی را هم تغییر داده باشد.

منصور حکمت قدرت را برای حزیش و برای طبقه کارگر و مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی میخواست و برای این کار عجله داشت. این افقی است که حتی یک لحظه هم برای من و امثال من قابل صرف نظر کردن و یا غافل ماندن از آن و یا فراموش کردن نیست. این قطب نمای کار و زندگی من شده است.

از صفحه ۱

طلوع خونین نظم نوین جهانی، جنگ آمریکا در خاورمیانه

... و عربستان سعودی ای نمی توانست آنقدر پول رو کند. واقعا کابوسی می شد. همینطور که هست خوب است، امن تر است. بیائید به کارناوال خودفریبی و خودپرستی قومی اروپایی - آمریکایی ببینندیم. بیائید در شوق و ذوق کودکانه "مخبرین بیطرف" و مفسرین تلویزیونی "متخصص" مان، در بازیهای جنگی کامپیوتری جدیدشان در عالم واقعی، سهیم شویم.

یا شاید هم نه. بجای این بهتر است خود را از مفروضات و توجیهاتشان خلاص کنیم و به مسائل واقعی این جنگ توجه کنیم. این جنگ بر سر دموکراسی و دیکتاتوری نیست. کشتن و معلول کردن هزاران تن از مردم عراق و خراب کردن خانه و مدرسه و کارخانه شان بر سرشان برآستی روش مهوعی برای نجات آنها از ستم سیاسی است. این جنگ ربطی به جلوگیری از محروم شدن غرب از نفت ندارد. تملک نفت بازهم بیشتر برای کسی که قصد فروش آن را نداشته باشد بیمعناست. این جنگ بر سر حراست از قوانین بینالمللی نیست. با علم به پیشینه خود این مجریان قانون، از هیروشیما و ویتنام تا گرانادا و نیکاراگوئه، چنین ادعایی را نمی توان جدی گرفت.

اینها معضلات واقعی این جنگ نیستند. اینها درست همانند که هستند: تبلیغات جنگی. سرنخ های کلیدی برای درک علل واقعی این درگیری را باید در اشارات بظاهر بی آزار جرج بوش به یک "نظم نوین جهانی" و خواست پذیرفته نشده صدام حسین مبنی بر ایجاد "پیوند" (میان عاقبت کویت با حل مساله فلسطین) جستجو کرد. ...

نظم نوین جهانی

درگیری امروز در خلیج صرفا یکی از جلوه های تضادها و ابهامات موجود در مناسبات بین المللی پس از جنگ سرد است. با سقوط بلوک شوروری در نیمه دوم دهه هشتاد، ساختار پیشین قدرت در سطح بین المللی نیز، که بر تقابل نظامی، سیاسی و بدرجه کمتری اقتصادی، دو بلوک غرب و شرق مبتنی بود، فرو ریخت. در حالی که رسانه های جمعی و مفسرین سیاسی در غرب آنچه را که سقوط کمونیسم می نامیدند جشن می گرفتند و آینده ای مشحون از صلح و صفا تحت سلطه بلامنازع بازار پر افتخار را وعده می دادند، برای هر ناظر هوشیار مسلم بود که دنیای پس از جنگ سرد

مملو از تقابل ها و تنش های جدی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی خواهد بود. تفسیرهای سیاسی در غرب معمولا به مسائلی نظیر وضعیت بی ثبات و متحول در شوروی و اروپای شرقی، شکاف "شمال و جنوب"، محیط زیست، کشمکشهای منطقه ای و نظایر اینها خیره می شوند - مسائلی که ظاهرا در خارج مرزهای غرب "متمدن" و "دموکراتیک" ریشه دارند. اینها قطعا بخشی از معضلات دهه ۹۰ را تشکیل می دهند. اما مصادف اصلی، و معضل محوری در هر کوششی برای شکل دادن به یک



"نظم نوین"، در خود غرب نهفته است. سقوط شرق همچنین مترداف با زوال غرب بعنوان قطب مقابل آن است. یعنی زوال آن موجودیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی که برای محاصره و شکست بلوک شوروی پس از جنگ دوم جهانی حدادی شده بود. غرب، چه بعنوان یک مفهوم و چه بعنوان یک واقعیت اقتصادی - سیاسی، بر مبنای هژمونی و با به اصطلاح "نقش رهبری" ایالات متحده بنا شده بود. حفظ این نقش، و یا حتی گسترش آن، در دنیای متحول سیاست پس از جنگ سرد، چکیده دورنمای آمریکا برای "نظم نوین جهانی" است.

تا قبل از بحران اخیر در خاورمیانه بنظر می رسید که چنین دورنمایی فاقد محمل عملی برای تحقق خویش است. عروج ژاپن و آلمان غربی بعنوان قدرتهای عظیم اقتصادی، حرکت بسوی وحدت اروپا و تحقق عملی وحدت دو آلمان، چرخش سیاسی در کشورهای اروپای شرقی به نفع راست طرفدار بازار، و بالاخره گشوده شدن اقتصادی و سیاسی خود شوروی بروی غرب، غرب قدیم را از هر لحاظ تحریب و تضعیف کرده بود. نه فقط نقش رهبری آمریکا، بلکه خود نهادهایی که محمل و

ضامن هژمونی آمریکا بودند، نظیر ناتو، هردم زائدتر و بیخاصیت تر بنظر می رسیدند. کل سیاست خارجی آمریکا جهت و تمرکز خود را از دست داده بود. حتی برخی از سر سخت ترین سلحشوران جنگ سرد در راست افراطی سیاست آمریکا به مدافعین انزوایلی تبدیل شده بودند. بحران خلیج به دولت آمریکا امکان داد تا برای معکوس کردن این روندها وارد عمل شود. جرج بوش در سخنرانی اخیر خود در اجتماع خبرگزاران مذهبی نیات آمریکا در جنگ را با شفافیت حیرت انگیزی بیان کرد. بگفته بوش، هدف از این جنگ "اعاده رهبری" و "قابل اتکاء بودن" آمریکاست. وقتی این هدف متحقق شود، آنگاه مسائل بین المللی نظیر مساله فلسطین می تواند در سایه "نقش رهبری کننده آمریکا" حل و فصل شود.

آمریکا به فرصتی که اشغال کویت توسط عراق ایجاد کرده بود چنگ انداخت تا خود را بعنوان یک ابرقدرت مجددا به کرسی بنشاند. به کمک کمپین عظیمی از تبلیغ و تحریک که توسط ژورنالیسم نوکر و مجهز در غرب، که خود محصول بی تفاوتی سیاسی تودهای دهه هشتاد است، به پیش برده شد، یک شبه یک "امپراطوری شر" جدید ساخته شد. یک کشور جهان سومی با جمعیتی کمتر از ۱۷ میلیون، مقروض و تماما وابسته به صدور نفت به غرب و فرسوده از جنگ هشت ساله با کشور همسایه اش ایران، یک خطر تهدید کننده جهانی تصویر شد. یک مساله منطقه ای که تحت شرایط دیگری با فشارها و مانورهای سیاسی و دیپلماتیک پاسخ می گرفت، تا حد یک کارزار مرگ و زندگی برای "جهان متمدن" بزرگ جلوه داده شد. اروپای قاره با تزلزل به خط شد. هلموت کوهل و میتران، چهره های یک اروپای بورژوازی متحد و مدعی، توسط بوش و بیکر، سبیل های قدرت فائده آمریکا، به حاشیه رانده شدند. غول ژاپن به یک صندوقدار مطیع تنزل داده شد. حیاتی بودن "نقش رهبری کننده" آمریکا در نظم سرمایه دارانه جدید جهان به اروپا یادآوری شد.

در حالی که عراق صحنه جنگ است، مسائل محوری ای که باید از طریق این جنگ حل و فصل شود در درجه اول در غرب نهفته است. نمایش قدرت و "رهبری" آمریکا در منطقه قرار است ضامن حفظ موقعیت برتر این کشور در مقابل متحدین و رقبایش در غرب پس از جنگ سرد باشد - عاملی که در عین حال پیش شرط تفوق جهانی آمریکا نیز هست. اما تلاش آمریکا خلاف منطق سرمایه داری امروز عمل می کند که تجدید نظری اساسی در موازنه قدیم و شکل گیری آرایش اقتصادی و ←

است که تا دیروز سابقه نداشت. بعلاوه فواید جنبی‌ای هم وجود داشته است. در خاورمیانه ناسیونالیسم ابتکار عمل را از پان‌اسلامیسم بازپس گرفت. اسلام به نقش درجه دوم خود در سیاست جهان عرب، بعنوان یک ابزار بسیج در خدمت عمل سیاسی ماهیتا ناسیونالیستی، رجعت داده شد. کشمکش اخیر کم‌کم کرده است که حتی در ایران پرونده جناح پان‌اسلامیستی حزب‌الله بسته شود. برای خود عراق نفس بقاء، پس از یک مقاومت نظامی آبرومندانه، یک پیروزی سیاسی، و در دراز مدت حتی نظامی، محسوب می‌شود. اشغال عراق توسط آمریکا و یا حتی حضور نظامی دراز مدت آمریکا در منطقه قطعاً جنگ حاضر را به ویتنام دومی برای این کشور تبدیل می‌کند. وضعیتی که به احتمال قوی به شکاف در اتحاد غرب و انزوای آمریکا از اروپای قاره خواهد انجامید. سوی این حالت، موقعیت عراق بعنوان یک کشور ذینفوذ در جهان عرب تحکیم خواهد شد.

18

این جنگ باید متوقف شود

این جنگ باید متوقف شود، در درجه اول به دلیل توحشی که به نمایش می‌گذارد. این جنگ تا هم اکنون هزاران بیگانه را قربانی کرده است. کل ایده بمباران با "دقت جراحی" یک افسانه است. یک کشور به تمامی با بمب کوبیده شده است. مردم از کوچک و بزرگ با بمب و موشک به قتل می‌رسند و یا از نبود آب و برق و دارو و بهداشت جان می‌دهند. فجایع این جنگ برای مردم بیگناه و غیر نظامی عراق نمی‌تواند تا ابد توسط رسانه‌های غربی سرپوش گذاشته شود. وقتی حقایق برملا شوند، که دارد بتدریج چنین می‌شود، بشریت شرمسار خواهد شد.

این جنگ باید متوقف شود، به دلیل عقب گرد سیاسی، فرهنگی و اخلاقی‌ای که به کل جهان تحمیل می‌کند. نشانه‌ها فی‌الحال در دست اند. دخالتگری نظامی ابرقدرتها، شووینیسم ملی، نژادپرستی، میهن پرستی، تعصب مذهبی، تروریسم و ژورنالیسم نوکر، اینها گوشه‌ای از نیروهای سیاهی هستند که با این جنگ افسار گسیخته‌اند. اینها مشخصات واقعی آن به اصطلاح "نظم نوین جهانی" هستند که دارد شکل می‌گیرد.

روابط عمومی کمیته کردستان حزب

حکمتیست

اسماعیل وایسی

esmail.waisi@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

بعنوان برده بلکه بعنوان شریک". مصر کوشید تا از طریق فاصله گرفتن از امر پان عربیسم و رسیدن به توافق جداگانه با اسرائیل به این هدف برسد. این استراتژی شکست خورد. ناسیونالیسم میلیتانت می‌خواهد با نمایش قدرت به همین هدف برسد. با غرب می‌جنگد تا با شرایط مناسب‌تری به آن ملحق شود.

اشغال کویت توسط عراق در بدو امر یک اقدام نظامی سراسر عراق برای رسیدن به اهداف کشوری خویش بود. بهترین سناریو از نظر عراق یک الحاق بی‌سر و صدا و بدون عواقب فوری در منطقه بود. اما هنگامی که این حرکت با مقاومت شدید غرب روبرو شد، اقدام عقیم‌مانده عراق بعنوان خدمتی به آرمان وسیع‌تر و منطقی‌تر توسط ناسیونالیسم عرب در آغوش گرفته شد.

درک اینکه چرا ناسیونالیسم عرب میدان عمل خویش را وسیع‌تر می‌بیند و چرا یک جنگ نابود کننده هنوز می‌تواند یک پیشروی سیاسی محسوب شود دشوار نیست. سقوط بلوک شوروی اهمیت استراتژیکی اسرائیل برای غرب را کاهش داده است. روزی که واقعیات اقتصادی و مردم شناسانه منطقه خود را به سیاست غرب تحمیل کنند دور نیست. تغییر جغرافیای سیاسی کهنه جهان، همچنانکه از رویدادهای اروپا، شوروی، یمن و کره پیداست، امر محتوم است. تقسیم بین‌المللی قدرت میان دول بورژوازی ناگزیر باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد و قطبهای اقتصادی و سیاسی جدیدی که در نتیجه توسعه تکنولوژی و بین‌المللی شدن سرمایه، خارج از قلمروهای سرمایه داری پیشرفته ظهور کرده‌اند را در بر بگیرد. موازنه خشکی که توسط قطب بندی قدیم شرق و غرب ایجاد شده و ابقاء می‌شد در هم شکسته است. نیروهای رو به عروج در سطح منطقه‌ای می‌توانند به اینکه با عمل قاطعانه بر سرنوشت خویش تاثیر بگذارند امیدوارتر باشند. برخی از اهداف ناسیونالیسم میلیتانت عرب فی‌الحال متحقق شده است. نتیجه نظامی جنگ هر چه باشد، تغییرات فاحشی در منطقه به ضرر اسرائیل هم اکنون در جریان است. ادامه روند فعلی بهبود مناسبات آمریکا و اسرائیل، که تحویل پول و موشک به اسرائیل نشانه آن است، در آینده دشوار نظر می‌رسد. با پایان جنگ فشار غرب، و یابهر حال اروپا، بر اسرائیل شدت خواهد گرفت. ناسیونالیسم عرب تا همینجا توانسته است برسمیت شناسی و زنه اقتصادی و سیاسی جهان عرب را به غرب تحمیل کند. تا همینجا غرب را به سازشهایی بر سر مساله فلسطین متعهد کرده

سیاسی بورژوازی جدیدی را ایجاد می‌کند. ماهیت شکننده "ائتلاف" امروز در مقایسه با همبستگی درونی‌ای که اتحاد غرب دهها سال در مقابل با بلوک شرق از خود نشان داد محدودیت‌های تاریخی تلاش آمریکا را تاکید می‌کند.

13

فلسطین و کویت: پیوند

در سنگرهای مقابل، نه عراق بعنوان یک کشور یا رژیم سیاسی، بلکه ناسیونالیسم عرب بعنوان یک نیروی منطقه‌ای را می‌یابیم - حریف دیگری در کشمکش برای شکل دادن به نظم جدید. این ناسیونالیسم خلق گرایانه و ضداستعماری قدیم نیست، بلکه پرچم بورژوازی عرب پس از اوپک است. مبارزه جویی این ناسیونالیسم از استیصال فقرای عرب یا مصائب مردم فلسطین مایه نمی‌گیرد، بلکه حاصل امکانات مادی‌ای است که بر روی دولتهای بورژوازی عرب برای بهبود موقعیت‌شان در اقتصاد جهانی و ساختار منطقه ای و بین‌المللی قدرت گشوده شده است. تقابل و موازنه قدیم بین شرق و غرب مدت‌ها چنین انتظاراتی را عقیم گذاشته بود. نفوذ غرب در خاورمیانه بر اسرائیل و ایران، بعنوان ستون‌های سیاست محاصره شوروی، متکی بود.

حتی دولتهای عربی طرفدار غرب، اردن، عربستان سعودی و بعدها مصر، قادر به برقراری چنان پیوند اقتصادی و سیاسی فشرده‌ای با غرب که اسرائیل و ایران زمان شاه از آن بهره‌مند بودند و شرط ضروری توسعه سرمایه داری و پیشرفت تکنولوژیکی محسوب می‌شد نبودند. بعلاوه مدت‌ها قبل از سقوط نهایی بلوک شرق دیگر روشن شده بود که این بلوک از ارائه هرگونه چهارچوبی برای رشد اقتصادی در کشورهای منطقه نفوذ خود ناتوان است. اما مادام که ملاحظات وسیع‌تر جهانی غرب را به اسرائیل گره می‌زد، اینکه کشورهای عربی، با جمعیتی ۵۰ برابر اسرائیل و منابع وسیع اقتصادی، نفت و نیروی کار، در صحنه سیاست بین‌المللی و اقتصاد جهانی نفوذی بهمان درجه موثر بدست بیاورند ممکن نبود. و اینجا پیوند غیر قابل انکار جنگ اخیر با مساله فلسطین آشکار می‌شود.

مستقل از اینکه سران عرب سرسوزنی بفرستند یا خیر (که عموماً نیستند)، مساله فلسطین به شاخص برخورد غرب و آمریکا به جهان عرب تبدیل شده است. اسرائیل و مساله فلسطین مانع جوش خوردن اقتصادی و سیاسی کامل جهان عرب با غرب است. بقول عرفات، اعراب می‌خواهند با غرب باشند اما "نه

به یاد و گرامی داشت بزرگترین مارکسیست معاصر منصور حکمت!

نخوانده و نشناخته اند. میلیونها کارگریست که اکتبر بود و به موازات آن نظم نوین جهانی بوش را شاید منصور حکمت را نشنیده اند یا شاید شنیده اند اما کنجاو نبوده اند که ببینند و گوش کنند و بدانند که این نماینده وصدای حق طلبانه و مدافع خود کارگران چه کسی است و چه دارد میگوید. هزاران و میلیونها زن ستم دیده نخوانده و نشنیده اند تا درک کنند که این بزرگترین مدافع حق و حرمت زن برای رهایی از ستم و تبعیض چه راهی را نشان میدهد و شیوه تغییر این دنیای وارونه را چگونه طرح میکند. منصور حکمت بزرگترین مدافع حقوق کودک، جسورترین مدافع زن، بیباک و بدون تخفیف و متعرض ترین مدافع کارگران و رسوا کننده هر آنچه مذهب، ملیت و ناسیونالیسم است. دیدیم که چگونه جهان را دو قسمت کرده و انگار سرنوشت بشر همان است که تعریف کرده بودند. از یک طرف سرمایه داری بازار آزاد و تجاوزگریهای غرب و در راسش آمریکا و کودتا و حمله های پی در پی نظامی در بیش از هشتاد کشور مختلف جهان و در این چند سال اخیر از جمله یوگوسلاوی، افغانستان و عراق تحت نام "برقراری دموکراسی" هزار فجایع دیگر و از طرف دیگر بیش از هشتاد سال سرمایه داری دولتی را در بوق و کرنا کردند و تحت نام کمونیسم و سوسیالیسم جار زدند. تمام ماجرا دستاویزی برای بدنام کردن کمونیسم و به خیال خود برای کم رنگ و کم جلوه دادن انقلاب

ابوبکر شریف زاده خیلی سخت است انسان بتواند در بحثی یا نوشته ای در مورد منصور حکمت بگوید، بنویسد و یا بتواند منصور حکمت را بشناساند. بهر رو باید گفت و نوشت هر چند قطره ای در مقابل دریا باشد. در هفته منصور حکمت که از ۴ تا ۱۱ ژوئن است به تمام گوشه و زوایای بحثهای شفاهی و کتبی منصور حکمت که بیش از ۲۰ سال است با آنها آشنا هستیم، آنها را خوانده و گوش داده ام و در بسیاری از آنها حضور داشته ام خوشبختانه به طور ویژه تری سر و کار داشته ام که این را برای خودم سعادت و مایه افتخار می دانم. چون بطور واقعی و عینی و عملی تاثیر مستقیم روی بینش و روش زندگی نسبت به هر مسئله و پدیده عینی و اجتماعی و غیره داشته است. میتوان ادعا کرد که بیش از ۸۰ سال است یعنی در اوج بربریت و توحش نظام سرمایه داری و تعرض وسیعی که در تمام سطوح در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان به مردم شده و علیرغم تمام تلاش و مبارزه ای که برای بهبود و رهایی بشرانجام گرفته اما راستش بشریت نمایندگی نشده است. اما منصور حکمت نماینده این نمایندگی روشن و عظیم جهانیست هدف از این نوشته و این ادعا که اسناد آن بالغ بر هزاران نوار سخنرانی، هزاران نوار جلسه و گفت و شنود، و بیشمار بحث و جدل کتبی و شفاهی و بولتن مباحثات شوروی و غیره است کسانیست که منصور حکمت را شنیده اما

برنامه های آزمایشی تلویزیون پرتو

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از تلویزیون کانال ۶ روی ماهواره هات برد Hotbird پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک مزب مکتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است. مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 14
Downlink Frequency: 11 470
Downlink Polarity: Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500



برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد. علاوه بر این (روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

اساس سوسیالیسم انسان است،

سوسیالیسم جنبش باز گرداندن
اختیار به انسان است.

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم،
بدون "خطر" سوسیالیسم،
به چه منجلائی بدل میشود!

منصور حکمت

نه ترومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی